

کجاست آن کس که در آن شب و ماهه خورده
رهنمون شد و پند آمد این
به حریر از جیبش
یادگار
هنگام آن جشن و منزه کرد
سببی بود چون او در
سکه کرد و کوشش
پیشگاه

اگر امروز ما جشن‌ها و آیین‌های ملی را فراموش کنیم یعنی ایرانی بودن را به فراموشی سپرده ایم پس بیاید هر چه باشکوه‌تر جشن‌های ملی را برگزار کنیم

بدلیل اهمیت این جشن ملی بر آن شدم تا نوشتار کامل و جامع و با منابع برای شما عزیزان پارسیان دژ و هم (میهنان آماده سازم) تقدیم به تمام ایران دوستان

، یکی از جشن‌های ایرانی، است که در آغاز شامگاه دهم بهمن‌ماه یعنی آبان روز از بهمن‌ماه جشن سده برگزار می‌شود. جشن «سده» بزرگ‌ترین جشن آتش و یکی از کهن‌ترین آیین‌های شناخته شده در ایران باستان است. در این جشن در آغاز شامگاه دهم بهمن‌ماه، همه مردمان سرزمین‌های ایرانی بر بلندای کوه‌ها و بام‌خانه‌ها، آتش‌هایی برمی‌افروخته و هنوز هم کم‌وبیش برمی‌افروزند. مردمان نواحی مختلف در کنار شعله‌های آتش و با توجه به زبان و فرهنگ خود، سرودها و ترانه‌های گوناگونی را خوانده و آرزوی رفتن سرما و آمدن گرما را می‌کنند.

همچنین در برخی نواحی، به جشن خوانی، بازی‌ها و نمایش‌های دسته‌جمعی نیز می‌پردازند

است و اختصاص به یک دین و گروه ویژه ندارد جشن ملی ایرانیان جشن سده یک

سده گویند « می‌نویسد ابوریحان بیرونی . بعضی دانشمندان نام سده را گرفته شده از صد می‌دانند یعنی صد و آن یادگار اردشیر بابکان است و در علت و سبب این جشن گفته‌اند که هرگاه روزها و شب‌ها را جداگانه بشمارند، میان آن و آخر سال عدد صد بدست می‌آید و برخی گویند علت این است که در این روز زادگان کیومرث - پدر نخستین - درست صدتن شدند و یکی از خود را بر همه پادشاه گردانیدند و برخی برآنند که در این روز فرزندان مشی و مشیانه به صد رسیدند و نیز آمده: «شمار» فرزندان آدم ابوالبشر در این روز به صد رسید

اینکه سده معروف، صدمین روز زمستان از گاه‌شماری میتراپی است. در تقویم کهن ایرانیان نظر دیگر مهرآیین زمستان ۱۵۰ روزه و تابستان ۲۱۰ روزه بوده‌است

از ابتدای زمستان (اول آبان ماه) تا ۱۰ بهمن که جشن سده است صد روز، و از ۱۰ بهمن تا نوروز و اول بهار ۵۰ روز و ۵۰ شب بوده است. و به علت اینکه از این روز به بعد انسان به آتش دست پیدا کرده است. شب هم مانند روز روشن و گرم و زنده است شب‌ها هم شمرده می‌شوند.

این است که ایرانیان دو ماه میانی زمستان را، همان دی و **دلایل گرمی داشت این شب** یکی دیگر از بهمن را، بسیار سخت و هنگام نیرومند گشتن اهریمن می‌دانستند و برای پایان یافتن این دو ماه نیایش‌های ویژه‌ای برگزار می‌کردند. از شب چله که چله بزرگ نیز نامیده می‌شد و در آن مهر برای مبارزه با اهریمن دوباره زاده شده بود تا شب دهم بهمن ماه که جشن سده و چله کوچک نامیده می‌شد برابر ۴۰ روز است. و به سبب اینکه آتش (مظهر گرما و نور و زندگی) در روز سده کشف شده بود و وسیله دیگری برای مبارزه با اهریمن و بنا بر آیین باعث روشنایی شب مانند روز شد از شب چله کوچک تا اول اسفند ۲۰ روز و ۲۰ شب (جمعا چهل شب و روز) است.

یکی از نشانه‌های پیوند این دو پدیده مراسمی است که در بین عشایر سیرجان و بافت برگزار می‌شود. شب دهم بهمن آتش بزرگی بنام آتش جشن سده، با چهل شاخه از درختان هرس شده که نشان چهل روز: "چله بزرگ" است در میدان ده برمی‌افروزند و می‌خوانند
سده سده دهقانی / چهل کنده سوزانی / هنوز گویی زمستانی
و برخی گفته‌اند که این تسمیه به مناسبت صد روز پیش از به دست آمدن محصول و ارتفاع غلات است.

مهرداد بهار در کتاب «پژوهشی در فرهنگ ایران» و رضا مرادی غیاث‌آبادی در کتاب یاد شده بالا، بر این باورند که سده در زبان اوستایی به معنای برآمدن و طلوع کردن است و ارتباطی با عدد ۱۰۰ ندارد. عدد «سد» به شکل «صد» معرب شده است در حالیکه واژه «سده» به شکل «سذق» معرب شده است. اگر نخستین روز زمستان را (روز پس از شب یلدا) تولد دیگری برای خورشید یا مهر بدانیم، می‌توان آنرا هماهنگ با جشن گرفتن در دهمین و چهلمین روز تولد، آیین کهن و زنده ایرانی دانست. (در همه استان‌های کشور و سرزمین‌های ایرانی نشین، برگزاری مراسم جشن دهم و چهلم کودک دیده اسم مونث) که به معنی پیدایی و آشکار شدن است، در ایران باستان "sada" می‌شود) و این واژه بوده و واژه عربی سذق و نوسذق (معرب نوسده) از آن **sadag** و در فارسی میانه **sadok** آمده است. روایت‌هایی که جشن سده را به صد روز گذشتن از زمستان و یا پنجاه شب و پنجاه روز مانده به نوروز تعبیر می‌کنند، همگی از ساخته‌های جدیدتر است و در متون قدیمی نیامده‌اند.

سده از دیدگاه اساطیری

از اسطوره‌های جشن سده تنها یکی به پیدایش آتش اشاره دارد. فردوسی می‌گوید: «هوشنگ پادشاه پیشدادی، که شیوه کشت و کار، کندن کاریز، کاشتن درخت ... را به او نسبت می‌دهند، روزی در دامنه کوه ماری دید و سنگ برگرفت و به سوی مار انداخت و مار فرار کرد. اما از برخورد سنگها جرقه‌ای زد و آتش پدیدار شد.» هم در کتاب «التفهیم» و هم «آثارالباقیه» ابوریحان، از پدید آمدن آتش سخنی نیست بلکه آنرا افروختن آتش بر بامها می‌داند که به دستور فریدون انجام گرفت و در نوروزنامه آمده‌است که: «آفریدون همان روز که ضحاک بگرفت جشن سده بر نهاد و مردمان که از جور و ستم ضحاک رسته بودند، پسندیدند و از جهت فال نیک، آن روز را جشن کردند و هر سال تا به امروز، «آیین آن پادشاهان نیک عهد را در ایران و دور آن به جای می‌آورند»

سده از دیدگاه تاریخی

داستان پدید آمدن آتش و بنیاد نهادن جشن سده در شاهنامه بدین گونه آمده‌است که هوشنگ با چند تن از نزدیکان از کوه می‌گذشتند که مار سیاهی نمودار شد. هوشنگ سنگ بزرگی برداشت و به سوی **به گفته فردوسی** [آن رها کرد. سنگ به کوه برخورد کرد و آتش از برخورد سنگها برخاست. ۱۴]

بر آمد به سنگ گران سنگ خرد	هم آن و هم این سنگ گردید خرد
فروغی پدید آمد از هر دو سنگ	دل سنگ گشت از فروغ آذرنگ
جهاندار پیش جهان آفرین	نیایش همی کرد و خواند آفرین
که اورا فروغی چنین هدیه داد	همین آتش آن گاه قبله نهاد
یکی جشن کرد آنشب و باده خورد	سده نام آن جشن فرخنده کرد

، هیچگاه باور ایرانیان نبوده و از ساخته‌های جدیدتر است. این **داستان کشف آتش در زمان هوشنگ**، فرضیه امروزه مورد توجه بیشتر شاهنامه‌شناسان قرار گرفته و از جمله در نسخه‌های تصحیح شده آقایان، استاد جلال خالقی مطلق و مصطفی جیحونی، داستان کشف آتش به دلایل بسیاری در زمره بیت‌های افزوده شده و الحاقی شاهنامه آورده شده‌است. از سویی از این داستان در هیچیک از متون تاریخی مقدم بر شاهنامه و گاه متاخر بر آن یاد نشده‌است و همچنین می‌دانیم که کشف آتش بسیار کهن‌تر از عصر هوشنگ است که با توجه به اشاره‌های شاهنامه در باره چگونگی و دستاوردهای زندگی انسان در آن دوره (ساخت ابزار ریزسنگی، یکجانشینی، آغاز کشت‌و زرع و اهلی کردن برخی حیوانات)، می‌بایست با دوره‌ای منطبق باشد که در باستان‌شناسی بنام «میان‌سنگی / مزولیت» (حدود ۱۵۰۰۰ تا

۱۰۰۰ سال پیش) خوانده می‌شود. و از سوی دیگر این بیت‌ها در برخی نسخه‌های متقدم شاهنامه و از جمله کهن‌ترین آن (دست‌نویس فلورانس) وجود ندارد.

سه جشن بزرگ ایرانیان است **به نوشته مورخانی همچون بیرونی، بیهقی، گردیزی جشن سده یکی از** که در دوران اسلامی، تا اواخر دوران خوارزمشاهیان و حمله مغول دوام آورد و هم سلاطین و امیران و هم مردم عادی این جشن را به پا می‌داشتند. مشهورترین و بزرگترین جشن سده در زمان مردآویج در سال ۳۲۳ هجری در اصفهان برگزار شده‌است و چنان‌که در تاریخ بیهقی آمده‌است جشن سده دیگری که به یاد مردم مانده، جشنی است که در زمان سلطان مسعود غزنوی در سال ۴۳۰ هجری برگزار شد. [۱] منبع به هر روی، ماندگاری سده در فرهنگ ایرانی بسیار مرهون اقوام گوناگون ایرانی است. کرمان، در هشتاد سال گذشته مهد برگزاری سده بوده‌است و همه ساله باشکوه‌ترین جشن سده نیز در آن جا توسط همه مردم برگزار می‌شود. در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، زرتشتیان این جشن را با روشهای تازه‌ای که سابقه تاریخی ندارد، برپا می‌کنند. روح‌الامینی، که خود کرمانی است، درباره برگزاری سده در کرمان می‌گوید: «کرمانی‌ها این جشن را باشکوه‌تر از مناطق دیگر برگزار می‌کنند. هنوز هم در کرمان رسم است که کشاورزان از خاکستر آتش بر زمین‌هایشان می‌پاشند، زیرا عقیده دارند که خاکستر آتش سده به زمین برکت می‌دهد.» او ادامه می‌دهد: «در گذشته‌های نه چندان دور این مراسم در پشت‌بام‌ها برگزار می‌شد. این جشن جمعی و همگانی است. هیچ‌گاه این مراسم پنهانی و در خفا انجام نمی‌شده و همواره با حضور تعداد زیادی از مردم در بیابان‌ها و دشت‌ها برپا می‌شده‌است. «هنوز هم در کرمان در روز جشن سده، مدارس را تعطیل می‌کنند

به رغم گذشت هزاران سال از برگزاری نخستین سده، امروزه تغییرات محسوسی در برگزاری این جشن به وجود نیامده‌است. دکتر روح‌الامینی که تغییرات آیین‌ها را در طول زمان پیگیری می‌کند، معتقد است این آیین آن قدر قوت داشته که موفق به حفظ خود شده و با اشاره به خاطره‌ای می‌گوید: «حتی در زمان جنگ ایران و عراق با آنکه از شکوه جشن سده کم شده بود، ولی باز هم مردم در روز دهم بهمن دور هم در بلاق آباد کرمان (باغی که تا چند سال پیش معمولاً سده را در آن جشن می‌گرفتند) جمع می‌شدند. از آن جا که سده را آتش می‌زنند، به این جشن سده‌سوزی هم می‌گویند. روح‌الامینی از ماجرای سده‌سوزی کرمان در سال‌های دهه چهل شمسی که تازه این رسم احیا شده بود روایت جالبی تعریف می‌کند: «نزدیک غروب دو موید، لاله به دست، با لباس سفید از باغچه بیرون آمده، زمزمه‌کنان به سده نزدیک می‌شوند و از سمت راست سه بار گرد آن می‌گردند. سپس این خرمن هیزم را با شعله لاله‌ها از چهار سو آتش می‌زنند. ساعت‌ها طول می‌کشد تا شعله‌ها و حرارت

آتش فروکش کند و مردم، بویژه نوجوانان و جوانان بتوانند برای پریدن از روی آتش به بوته‌های پراکنده نزدیک شوند. در گذشته اسب‌سوارانی که منتظر فروکش کردن شعله‌ها بودند، زودتر از دیگران خود را به آب و آتش زده و هنرنمایی می‌کردند. کشاورزان می‌کوشیدند مقداری از خاکستر سده را بردارند و به نشانه پایان یافتن سرمای زمستان، گرما را به کشتزار خود ببرند. شرکت‌کنندگان کم کم به خانه برمی‌گشتند، ولی جوانانی که تا نیمه‌های شب پیرامون سده می‌ماندند، کم نبودند.» در این شب ستاره گرما به زمین می‌آید.

سده از دیدگاه دینی

روشن کردن آتش جشن سده سال ۱۳۸۹ توسط موبدان زرتشتی این جشن به یاد آورنده اهمیت نور، آتش و انرژی است. نوری که از خداوند جداست و از خداوند جدا هم نیست. [۱۵] چنانکه از کتاب‌ها و اسناد تاریخی برمی‌آید جشن سده جنبه دینی نداشته و تمام داستان‌های مربوط به آن غیردینی است و بیشتر جشنی کهن و ملی به شمار می‌آید و وارث حقیقی جشن سده نه تنها ایرانیان و آریایی‌ها بلکه میراثی است که به بسیاری از کشورهای همسایه ایران نیز راه یافت.

در هیچیک از متون پهلوی و منابع زرتشتی عصر ساسانی نامی از جشن سده و مراسم آن یافت نشده و گمانه‌زنی می‌شود که این جشن در مغایرت با سنت زرتشتی بوده است.

امروزه این جشن بین بسیاری از زرتشتیان ایران و خارج از ایران رواج گسترده دارد. صادق هدایت در سال‌های جوانی خود از جشن سده زرتشتیان کرمان دیدن و چنین گزارش می‌کند: «سده‌سوزی جشنی است که هنوز زرتشتیان کرمان به یادگار جمشید و آیین‌های ایران باستان می‌گیرند و برای این کار موقوفاتی در کرمان در نظر گرفته‌اند. پنجاه روز به نوروز خروارها بوته و هیزم درمنه در گبر محله باغچه بوداغ‌آباد گرد می‌آورند. جنب این باغچه خانه‌ای هست مسجد مانند و موبدان موبد از بزرگان شهر و حتا خارجی‌ها را دعوت شایانی می‌کنند. در این آیین نوشیدنی و شیرینی و میوه زیاد چیده می‌شود و اول غروب آفتاب دو نفر موبد دو لاله روشن می‌کنند و بوته‌ها را با آن آتش می‌زنند و سرود ویژه می‌خوانند هنگامی که آتش زبانه می‌کشد همه میهمانان که بیش از چندین هزار نفر می‌شوند با فریادهای شادی دور آتش می‌گردند و این ترانه را می‌خوانند:

سد به سده، سی به گله پنجاه به نوروز

«نوشیدنی می‌نوشند و میان هلهله شادی جشن تمام می‌شود».

در بسیاری از نقاط مرکزی ایران مانند کرمان جشن سده یا سده سوزی در بین تمامی اقشار مردم -کرمان از مسلمان (شیعه و سنی)، زرتشتی، مسیحی، یهودی و... به عنوان جشنی ملی رواج دارد

آیین جشن سده

حکیم عمر خیام در کتاب نوروزنامه می‌نویسد:

«هر سال تا به امروز جشن سده را پادشاهان نیک عهد در ایران و توران به جای می‌آورند، بعد از آن به امروز، زمان این جشن به دست فراموشی سپرده شد و فقط زرتشتیان که نگهبان سنن باستانی بوده و هستند این جشن باستانی را بر پا می‌داشتند»

هر چند نوشته شده است که مرد آویج زیاری به سال ۳۲۳ هجری (صده دهم میلادی) این جشن را در اصفهان با شکوه برگزار کرد. همچنین در زمان غزنویان این جشن دوباره رونق گرفت و عنصری شاعر نامدار ایران در یکی از جشن‌های سده در برابر سلطان محمود قصیده‌ای درباره سده خواند که آغاز آن این است:

سده جشن ملوک نامدار است زافریدون و از جم یادگار است

در ایران باستان و در میان زرتشتیان ایران، این جشن نزدیک غروب آفتاب، با آتش افروزی آغاز می‌شود و امروز هم با همان سنت کوه‌هایی از بوته و خارو هیزم در بیرون شهر فراهم شده، در حالی که موبدان لاله به دست اوستا زمزمه می‌کنند، بوته‌ها را روشن کرده و مردمی که در آن جا جمع شده‌اند نماز آتش نیایش خوانده، این مراسم به وسیلهٔ انجمن زرتشتیان کرمان سده هاست که بیرون از شهر انجام شده و همه مردم زن و مرد، زرتشتی و مسلمان، کلیمی در آن جا گرد آمده و در شادی شرکت می‌کنند در تهران این جشن بیست و پنج سال است که با شکوه وسیله سازمان فروهر در باغ (کوشک) ورجاوند برگزار می‌شود. در شیراز پنج سال این جشن به همت همسرم پریچهر (همسر دکتر فرهنگ مهر) و با یاری زرتشتیان، آرتشیان و مردم شیراز، برابر کعبه زرتشت، نزدیک تخت جمشید برگزار می‌شود.

گستره جشن سده

در گذشته، جشن سده در گستره پهناوری از آسیای کوچک (آناتولی) تا استان سین کیانگ چین یعنی در سرتاسر ایران بزرگ، در بین همه مردمان، فارغ از هر قومیت یا گرایش دینی رواج داشته و به مانند -نوروز در روایت‌های مکتوب تاریخی به آن اشاره شده است

امروزه این مراسم در میان روستانشینان شمال شرقی ایران (همچون آزادور و روستاهای دشت جوبین)، در بخش‌هایی از افغانستان و آسیای میانه (با نام «خِرپچار»)، در کردستان (پیرامون سلیمانیه و اورامانات)، نواحی مرکزی ایران (با نام‌های «هله‌هله»، «گُرده»، «جشن چوپانان») و در میان برخی روستانشینان و عشایر لرستان، کردستان، آذربایجان و کرمان رواج دارد. جشن سده در نواحی گوناگون با نام‌های مختلفی شناخته می‌شود: در خراسان «سَرِه»، در حوالی اراک «جشن چوپانان»، در خمین «گُردِه»، در دیجان «هله‌هله» و در بدخشان تاجیکستان به نام «خِرپچار» دانسته شده‌است. در فراهان، سنگسر سمنان و جاهایی دیگر، چهار روز پیش و پس از سده را «چاروچار» و سردترین شب‌ها می‌دانند که سده در میانه آن جای گرفته‌است.

ریشه شناسی علمی و تاریخی

جشن سده هیچگاه به هیچیک از اقوام یا ادیان باستان ارتباطی نداشته و همواره جشنی ملی و برگرفته از شرایط اقلیمی و رویدادهای کیهانی بوده‌است. قدمت زیاد این مراسم باعث شده تا در باره دلایل برگزاری آن روایت‌های بسیار متعدد و متناقضی در منابع قدیم ثبت شود. یکی از دلایلی که برای پیدایش سده یاد می‌کنند همانا کشف آتش توسط هوشنگ‌شاه در شاهنامه فردوسی است. باید گفت که داستان کشف آتش در زمان هوشنگ، هیچگاه باور ایرانیان نبوده و از ساخته‌های جدیدتر است. بنا به آنچه پیشتر در دیدگاه تاریخی گفته شد این فرضیه تقریباً مردود است. پیدایی این جشن (مانند بسیاری مناسبت‌های دیگر) نه فقط یک دلیل، بلکه دلایل متعددی دارد که همزمانی آنها بر اهمیت جشن افزوده‌است. نخست اینکه، اشاره‌های فراوانی که از داستان‌ها و ترانه‌های مردمی بدست می‌آید؛ نشانگر به ستوه آمدن مردم از یخبندان و آرزو برای رفتن سرما و یا کاستن از شدت آن بوده و همین نکته مهمترین دلیل پیدایش این مراسم و برافروختن آتش‌هایی در مبارزه نمادین با سرماست.

بجز این، به نظر می‌آید که چند واقعه کیهانی نیز در پیدایش این آیین بی‌تاثیر نبوده‌است. نخست اینکه جشن سده در چهلمین روز شب یلدا یا شب زایش خورشید (انقلاب زمستانی) برگزار می‌شود و جشن چهلمین روز تولد خورشید است. دوم اینکه، دهم بهمن ماه، یکی از دو هنگام سال است که در عرض‌های بالای ایران زمین، طول تاریکی کامل آسمان ۱۲ ساعت تمام است. سوم اینکه، می‌دانیم ارتباط واژه «سده» با عدد «سد / صد» هنوز به اثبات نرسیده‌است. در زبان اوستایی واژه «سَد» به گونه جالبی هم به معنای «فرو رفتن / غروب کردن» و هم به معنای متضاد آن یعنی «بر آمدن / طلوع کردن» آمده‌است. همچنین واژه «سَدَه» در اوستا، هم به معنای طلوع کردن و هم به معنای غروب کردن آمده‌است که به گمان برگرفته از رویداد زیر است: در حدود پنج هزار سال پیش و در نخستین

شب‌های شب‌های بهمن‌ماه، رویداد جالبی رخ می‌داده که بعید نیست با آیین‌های جشن سده در پیوند باشد. این رویداد عبارت است از طلوع و غروب همزمان دو ستاره پرنور و درخشان آسمان به نام‌های «سماک رامح» و «نسر واقع» در شمال شرقی و شمال‌غربی آسمان سرشبی. در آن زمان ستاره زرین «سماک رامح» در آسمان سرشبی عرض‌های بالایی ایران زمین و در افق شمال‌شرقی، به تازگی طلوع کرده و ستاره سپیدفام و درخشان «نسر واقع» در همان هنگام و در افق شمال‌غربی، آماده غروب کردن بوده‌است. احتمالاً طلوع و غروب همزمان دو ستاره درخشان آسمان، موجب پیدایی معنای دوگانه و متضاد واژه‌های اوستایی «سد» و «سده»، و نیز عاملی دیگر برای جشن سده بوده‌است.

(بن مایه‌ها (منابع

↑ گزارش و تصاویری از جشن سده در مارکار تهرانپارس (۲) - برساد - تارنمای خبری تحلیلی

زرتشتیان

↑ گزارش و تصاویری از جشن سده در کرج (۲) - برساد - تارنمای خبری تحلیلی زرتشتیان

↑ تصاویری از آخرین تدارکات برگزاری جشن سده در شهرهای یزد و شیراز - برساد - تارنمای

خبری تحلیلی زرتشتیان

↑ جشن سده همراه با سدره پوشی در انجمن دوستداران زرتشت - برساد - تارنمای خبری تحلیلی

زرتشتیان

↑ آثارالباقیه، فصل نهم، ابوریحان بیرونی

↑ آنچه‌آنچه که جابر عناصری در کتاب «تجلی دوازده ماه» و رضا مرادی غیاث‌آبادی در کتاب «نوروز

نامه

↑ کتاب فلسفه زرتشت نوشته دکتر فرهنگ مهر چاپ هفتم ص ۱۹۰

↑ کتاب فلسفه زرتشت نوشته دکتر فرهنگ مهر چاپ هفتم ص ۱۹۱

↑ آشنایی با جشن سده - برساد - تارنمای خبری تحلیلی زرتشتیان

↑ کتاب فلسفه زرتشت نوشته دکتر فرهنگ مهر چاپ هفتم ص ۱۹۱

شاهنامه فردوسی، تصحیح جلال خالقی مطلق، چاپ آمریکا: ۱۹۸۶، جلد یکم

خالقی مطلق، جلال. گل رنجهای کهن، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۰

مرادی غیاث‌آبادی، رضا. جشن‌های مهرگان و سده، تهران: پژوهش‌های ایرانی، ۱۳۸۴

رجایی بخارایی، احمدعلی. برگزیده شاهنامه فردوسی، به کوشش کتایون مزداپور، تهران: پژوهشگاه
ISBN 964-426-177-1 علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ سوم ۱۳۸۱،

پارسیان دژ مرجع ایران شناسی

www.parsiandej.ir